

رشد فکری و عملی شاگرد

شاید عده‌ای از معلمان یا بیشتر جزء کسانی هستند که سعی و تلاش در تمام کردن دروس کتاب خود داشته با اهتمام کتاب را دقیقاً "درس بای بسم الله تا نای تمت" که از چنین معلمانی باید میدهند. واقعیت اینست که در تدریس خود دچار شکر و امتنان بعمل آورد که در تدریس خود دچار

سهیل انگاری و مسامحه نشده همه مطالب درس را که آموزش و پرورش تشخیص و تعیین نموده به شاگردان درس میدهند ولی در اینجا این سوال مطرح میگردد که آیا رسالت معلم در اینست که بایان دادن دروس در ارتباط با شاگرد و معیارش دیگر آیا معلم در ارتباط با شاگرد رسالتش تنها تدریس است و یا خود شاگرد را نیز آموزش برنامہ دیگری ندارد؟ بدیهی است تمام محور بحث در این مقاله بخش آموزشی است و الا بر واضح است که معلم بطور غیر مستقیم رسالت

محمد رشید نو



مراجعه به منابع خاصی صورت می گیرد ولسی مهمترین اصل روحیه استنباط و اجتهاد است که طلبه خودش این واقعیت را از اول در خود بوجود می آورد. یکی از ویژگیهای درس طلبگی اینست که شاگرد حالت رکود و پذیرش تنها راندارد بلکه حالت حرکت و پویائی را داشته با اینکه شاگرد است ولی فکر و اندیشه خود متکی بسوده در مواردی با استاد خود به مباحثه و گفتگو میپردازد این ویژگی از عالیترین تجلیات روش تدریس خوب است زیرا معلم در عین اینکه معلم است ولی هدفش تنها تدریس کردن نیست معلم هدفش پروردن شاگرد است .

در پرتو اینگونه تدریس ها شاگردان از نظر فکری پرورده میشوند و متکی بخود بار می آیند و اهل نظر و استنباط میشوند. مرحوم شهید مطهری عبارت بسیار پر محتوایی در این زمینه دارد میگوید (بسیاری از مجتهدان ما بجای اینکه مجتهد باشند مقلد هستند) یعنی آن جرات و ابتکار فکر کردن راندارند همیشه از نظرات دیگران استفاده مینمایند اینگونه مجتهدان فراموش کرده اند که مجتهد هستند و ناخود آگاه باز دست از تقلید بر نداشته اند یا اساساً افرادی هستند که دچار ضعف خلاقیتها و ابتکارها بوده نمیتوانند نظرات شخصی خود را ابراز دارند .

در آیات قرآن پروردگار فراوان از تعقل و تفکر یاد کرده است و انسان شایسته کسی است که قوه های تفکر را به فعلیت تبدیل کرده باشد مناسبانه میبینیم آموزش مدارس جدید این بعد اساسی یعنی انسان سازی و پرورش فکری و عقلانی دانش آموزان را مورد توجه قرار نداده تنها به نقل و انتقالات مطالب علمی

مهمی بعهدہ دارد که آن تربیت و پرورش اخلاقی شاگرد است ولی هدف این مقاله اینست که در رابطه بابخش آموزشی هنر معلم بودن تنها در انحصار تدریس خوب و پایان دادن دروس نیست بلکه معلم در ضمن تدریس باید فکر و اندیشه شاگرد را بکار گرفته آنرا بکار اندازد نه اینکه یک سلسله معلومات را در انبار ذهن شاگرد انباشته سازد برای توضیح بیشتر باید با سیستم و نظامی که در حوزه های علمیه وجود دارد آشنائی بیشتری پیدا کرد .

در حوزه های علمی قدیم چیزی که وجود ندارد مدرک دادن دادن است برخلاف مدارس کلاسیک جدید ، کودک از اول میداند برای رفتن بکلاس بالاتر احتیاج به کارنامه و مدرک دارد لذا شاگردان تمام تلاششان گرفتن مدرک است نه اصل علم ودانش لذا بسیار دیده شده که شاگرد پس از امتحان دادن کتاب درس را بای اعتنائی دور انداخته توجهی بآن نمی نماید و گاه آنرا پاره می کند چون هدف تحصیل مدرک است با هر جانکندنی آنرا بدست می آورد خواه با التماس و نمره گرفتن خواه بانقلب و کلک زدن خود را باین هدف میرساند . در حوزه های علمیه بجای مدرک خود علم و دانش مطرح است لذا طلبه ها از اول تلاش می کنند اهل درک و استنباط بوده خود را بدرجه اجتهاد برسانند برای توضیح بیشتر باید معنای اجتهاد و استنباط را بیشتر تبیین کرد . استنباط یعنی تحصیل قوه و قدرت فکری که دارنده آن می تواند با فکر و اندیشه خود یک فرع کلی را استنباط نماید بدیهی است این استنباط طبق ضوابط و اصولی بوده و بسا

نویسندگان نه اینکه خود نظرات و اندیشه های ابتکاری ندارند بلکه جرات و قدرت ابراز آنرا هم ندارند. فرهنگ و جامعه این ویژگی را با آنان نداده است لذا منتظرند تا دیگران بگویند آنوقت آنان جرات یافته حرف و نظر آنها را تایید نمایند این ضعف فرهنگی و تعلیم و تربیت ما است که اینچنین ما را تربیت کرده اند .

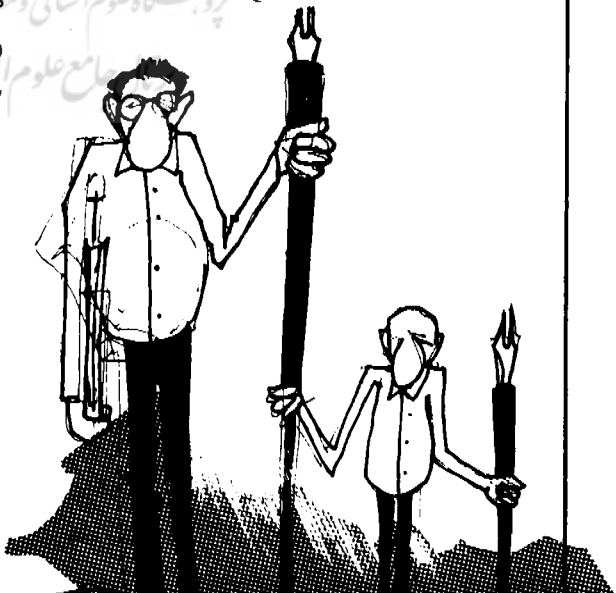
باید باین واقعیت ایمان بیاوریم که زندگی احتیاج به فکر و تفکر دارد جا، معنای پرتوان و پسر قدرت است که از منابع سرشار فکری و عقلی برخوردار باشد هر قدر در جامعه افراد ارزشمند از نظر فکری وجود داشته باشند آن جامعه استوارتر و غنی تر است .

اسلام عالیترین ارزشها را ب فکر کردن داده است در میان روایات اسلامی به روایت تفکر ساعة خیر من عبادة سبعین سنة برمی - خوریم ساعتی فکر کردن برتر از عبادت شصت - سال است پس چرا در آموزش و پرورش ما عملاً این واقعیت پیاده نمیشود و هنوز که هنوز است تمام ابتکار در تحویل محفوظات و داده های ذهنی است کی باید این بت ها شکسته شود ؟

جامعه انقلابی ما با معلومات و داده های ذهنی احتیاج ندارد بلکه دنبال انسان فکور میگردد انسانی که اهل فکر و اندیشیدن باشد انسانی که متعهد و متکی بخود بوده بداند که خداوند با آفرینش انسان عالیترین تجلیات آفرینش خود را بظهور رسانیده عملاً " همه زمینه های تکاملی را در انسان بودیعه نهاده است منتهی انسان ها با اندیشیدن و اتکاء بخود باید این سودمندیها را از عمق جان خود استخراج نمایند .

پرداخته از ساختن انسان های متفکر و متکی ب فکر و اندیشه خود باز مانده است لذا تحصیل کرده مدارس جدید هیچگاه متکی ب فکر و اندیشه خود نیست در انتظار است دیگران که توانائی فکری دارند آنها را از نظر فکری تغذیه نمایند بدیهی است وقتی فکر و اندیشه فردی پرورده نشد چنین فردی در کل ابعاد زندگی عاجز و ناتوان خواهد بود حتی در امور خانوادگی و زندگی اجتماعی قادر به حل مشکلات نبوده ب کمک فکری دیگران نیازمند خواهد بود بنابراین مدارس ما قادر به انسان سازی نبوده رسالتش را تنها نقل و انتقال داده های ذهنی محصور کرده است .

باید اعتراف کرد که مناسفانه در مرحله نویسندگی و تألیف نیز این رکود و ضعف به چشم می خورد زیرا کمتر نویسنده ای دیده میشود که با اتکاء ب فکر و اندیشه خود کتابی را تنظیم کرده باشد و نظرات خود را ابراز داشته باشد نوعاً تألیف و جمع آوریست اینگونه



درست فکر کردن و صحیح اندیشیدن را بآنان تفهیم نمایند .

۹ - در محیط خانوادگی و محیط تحصیلی



مشورت و مشاوره کردن را عملاً " گسترش دهند تا

فکر های کارگر فتنه شده بتدریج قوت و قدرت - یابند بدیهی است هر قدر از فکر و اندیشه بیشتر و کاملتر بهره گرفته شود توانائی فکری در انسان زیادت خواهد یافت ضمناً " بدانیم کسانی که توانائی فکر کردن ندارند اینان جزء کسانی هستند که خود را بفکر کردن عادت نداده اند .

۱۰ - پدران و مادران و معلمان بجای انتقادهای تند و کوبنده و مایوس کننده سعی کنند باتشویق و ترغیب و استقبال از نظرات فرزندان و دانش آموزان آنها را برای اندیشیدن های بهتر و کاملتر سوق دهند .

برای رسیدن باین هدف عالی و انسانی همه مربیان و معلمان باید نکات زیر را رعایت نمایند
۱- در مواردی عملاً " شاگردان را به اظهار نظر و ذکر آراء و ادار سازیم .

۲- اگر شاگردی اظهار وجودی کرده نظری را بیان کرد با اینکه ممکن است نظرش دارای معایبی باشد او را تشویق و ترغیب کرده نظرش را پرورده سازیم .

۳- بجای اینکه اهتمام در بیشتر درس خواندن و درس دادن داشته باشیم بـفـکـر کردن و اندیشیدن و پرورش شخصیت فکری دانش - آموزان بیشتر ارزش قائل شویم .

۴- در امتحانات دبیرستانی و امتحانات کنکوری سؤالاتی که ارتباط بیشتری به فکـر و اندیشه دانش آموزان دارد گنجانیده شود تا بتدریج دانش آموزان خود را به فکر کردن عادت دهند .

۵- سعی شود بتدریج در محیط دبیرستان و دانشگاه روحیه مباحثه کردن بوجود آید زیرا در مباحثه کردن فکر و اندیشه انسان تقویت میگردد .

۶- معلمان و مدرسان باید بـشاگردان اجازه اظهار نظر کردن بدهند زیراگاه نظرات دانشمندان آنچنان بزرگ جلوه داده میشود که احتمال خطا در آنها محال بنظر میرسد و شاگردان جرات نظر مخالف را پیدا نمیکند در نتیجه راه اندیشیدن و فکر کردن مسدود میگردد .

۷- بجای تکیه کردن بر معلومات و دادههای ذهنی بر استعدادها و نیروهای فکری بیشتر توجه و عنایت شود تا بتدریج روحیه تفکر در دانش - آموزان فراهم گردد .

۸- پدران و مادران و مربیان درباره ارزش فکر کردن کودکان و جوانان را راهنمایی کرده و راه -